



کیلا لایعی

حضور خداوند در زمین

● گفت و گویی صمیمی با حمید عجمی - خطاط

● نام:

حمید عجمی

● متولد:

۱۳۳۱

از چه سالی خطاطی را شروع کردید؟

از سال ۵۶ کلاس انجمن خوشنویسان رفتم و خط می‌نوشتم.

● استادان تان؟

چهار سال شاگرد آقای کیخسرو خروش بودم و دوازده سال خدمت استاد امیرخانی.

● چند سال نستعلیق کار کرده‌اید؟

بیست و پنج سال

● و در چند سال اخیر، یعنی همین چهار، پنج سال بیش‌ترین خطی را که مشق کرده‌اید؟

خطی را درست کردم به خط معلی که مشغول آن هستم.

● انگیزه شما از خط جدید؟

معمولاً این چیزها انگیزه دارد! ولی بعد از این که به وقوع می‌پیوندد مشخص می‌شود؛ یعنی از قبل آدم نمی‌تواند انگیزه را تشخیص دهد.

● آیا علاقه تمام خوشنویسان به اختراع خط جدید است؟

بله! هر خوشنویسی علاقه‌مند به این است که یک نوآوری در کار خود پدید آورد. منتهی بستگی دارد که خودش را چگونه تربیت کند.

● حسی که خط معلی است؟

حماسی.

● نهایت سعی شما در خط معلی؟

سعی کردم که یک خطی با همه خصوصیات که در جان خوشنویسی نهفته است ایجاد کنم.

● نظر شما درباره خط معلی؟

روزنه‌ای است از عالم غیب که به ذهن بشر امروز باز شده است و در واقع، نوری تابیده شده به بشر امروزی است.

● آیا مسایل غیر طبیعی مثل شهابی که در چند سال پیش به زمین اصابت کرد اثری در هنر هم داشته است؟

بله، این شهاب که به زمین خورد روشنگری‌های بسیار زیادی در عرصه‌های مختلف بوجود آورد. اتفاقات بسیاری که از قتل نور این شهاب بر ما روشن شدن، در بستر هنر؛ یعنی خوشنویسی این نور وقتی تجلی کرد، به خط معلی تبدیل شد.

● آیا بوجود آمدن «معلی» یک موهبت نیست؟ جنسش بسیار بزرگتر و نورانی‌تر بسیار بیش‌تر هست؛ چون از یک منبعی می‌آید که ما شبیه آن منبع را نداریم و منبع الهی است، خودش عرضه می‌کند. وقتی می‌آید، در عرصه‌های مختلف روشنائی ایجاد می‌کند.

● حس شما درباره امیرالمؤمنین؟ من همیشه به این شخصیت بزرگ در تاریخ یک حس خاصی داشته‌ام.

● تعریف انسان کامل؟

هیچ حقیقتی در عالم به نتیجه نمی‌رسد و یک حرکت حقانی هیچ وقت به نتیجه نمی‌رسد، مگر بر اساس عنایات انسان کامل.

● اولین کاتب به مفهوم واقعی؟

علی بن ابیطالب.

● آیا توسل به امیرمؤمنان علی علیه السلام در احوالات خوشنویسان از قدیم بوده است؟

بله، شما در احوالات خوشنویسان وقتی بررسی می‌کنید و قدما را بررسی می‌کنید مثلاً می‌بینید که بزرگان ما مثل سلطان علی علیه السلام یا میرعماد یا بعضی از این بزرگان در بعضی جاها اشاره کردند که ما هر جایی که در کار خوشنویسی دچار معضل می‌شدیم، نیت می‌کردیم سه روز به احترام حضرت امیر روزه می‌گرفتیم و ایشان را در خواب می‌دیدیم و ایشان مشکل ما را در خواب حل می‌کرد.

● معلی یعنی؟

خط معلی خطی که در واقع برتری یافته از یک وجود

اعلی که به نوعی همان علی اعلی است که در عالم تجلی کرده است.

● خاطره‌ای از پدرتان در دوران کودکی؟

الحمدالله پدر من اهل دین و دیانت بود. خانواده ما یک خانواده مذهبی بود. خانواده مذهبی بسیار معمولی نه خانواده‌ای که در واقع آدم فکر کند که با آدم‌های دیگر متفاوت است.

● علاقه‌مندی پدرتان به شعر؟

بسیار زیاد بود و چون طبعش روان بود، شعر هم می‌سرود.

● محتوای شعرهایش؟

راجع به اهل بیت علیهم السلام بود.

● تأثیرپذیری شما از آن محیط؟

من هم به نوبه خودم با بضاعت اندکی که داشتم سعی کردم تأثیر بپذیرم و این شده که در واقع من هم توانستم در این اتمسفر تأثیر بپذیرم.

● مسجدی که در کودکی می‌رفتید؟

مسجد اعظم قلهک

● قلهکی‌ها به نظر شما؟

آدمهای با سابقه تهران هستند، تهرانی‌های قدیم.

● روش شما در عزاداری سنتی در کودکی؟

معتقد بودیم که فقط باید سینه و زنجیر زد، کارهای اضافه نمی‌کردیم.

● چرا؟

چون معتقد بودیم که عزاداری سالم، عزاداری که بسیار سنتی بود همین سینه زدن‌هاست.

● پدرتان در ماه رمضان و کمبود امکانات ارتباطی با صدایی که داشت چه کار می‌کرد؟

همیشه در مسجد سردمدار یک قسمتی بود. ایشان ماه رمضان‌ها کلاس قرآن داشتند. در مسجد دعای افتتاح و دعای سمات می‌خواند. ماه رمضان‌ها بالای پشت بام در خانه مناجات می‌کرد و محلی‌ها با صدای ایشان در واقع بیدار می‌شدند.

● مگر پدر شما چگونه بود؟

یک آدم معمولی، کارمند آموزش و پرورش، باید فرزندش می‌بودید تا متوجه می‌شدید که این آدم چقدر سالم و بی غل و غش است.

● نقش پدر و مادر تان در خط معلی چه بود؟
خط معلی در واقع از برکات وجودی ایشان و مادرم هست.

● دعايي که پدرتان معمولاً در حق شما می‌کرد؟
بابا امیدوارم قلمت این جورى بشه، امیدوارم خطت این جورى بشه، یک روزى خط بنویسى که چى بشه.
● آیا پدرتان در رابطه با مداحی بحث خاصی نمی‌کرد؟

یکی از نکاتی که ایشان خیلی اهمیت می‌داد، این بود که ایشان گله داشت و گله‌اش این بود که مداح‌های ما درس نمی‌خوانند و همیشه از این که چرا مداحان ما وقتی که شعر می‌خوانند، غلط و نادرست می‌خوانند تأسف می‌خورد و این که چرا وقتی که یک جمله عربی را می‌خوانند غلط می‌خوانند.

● به نظر شما، امروز مشکل ما در مداحی چیست؟
ما در مداحی امروز متأسفانه درگیر فقدان شناخت امام و امام‌شناسی هستیم.

● بیش‌ترین زمانی که خط نوشته‌اید و تحقیق هم کرده‌اید؟

در یک دوره پنج ساله که روی قلم تحقیق می‌کردم تا سبیده صبح نخوابیدم و سبیده را می‌دیدم و می‌خوابیدم.

● مشکل تحقیقی شما؟
به مشکلات خاصی از جهت قلم تراشی برخورد کردم که خواب پدر را دیدم و...

● آغاز سوگواری؟
به خاطر این ننگی است که بر انسان‌ها نهفته است.

● نصیحت قدیمی‌ها درباره خوشنویسی؟
وقتی خط نوشتی و خسته شدی و قلمت را خواستی زمین بگذاری، یک ربع تا بیست دقیقه دیگر بنویس. یعنی چه؟

یعنی علی رغم میل باطنی‌ات هر اتفاق دیگری که بخواهد بیفتد در این مدت یک ربع، بیست دقیقه می‌افتد.

● معرفت نسبت به امام حسین (ع) یعنی چه؟
امام حسین فقط این نیست که ما بدانیم چه زمانی بدنی آمد و چه زمانی شهید شد. امام حسین مربوط به یک دوره نیست. علی بن ابی طالب فقط در دوره آدم ابوالبشر یکبار شهید نشد، در دوره آدم‌های گذشته خودش هم بارها شهید شد و اینها کسانی نبودند که مربوط به یک دوره‌ای از عالم باشند.

● حقیقت اهل بیت (ع)؟
حقیقتشان جاری است. اگر اینها نباشند ما نمی‌توانیم نفس بکشیم؛ چرا که بدون انسان کامل نمی‌شود، نفس کشید.

● رنگ سیاه؟

سیاه رنگ حیرت است. این رنگ عمیق هست و همانطور که نور به آن می‌خورد بر نمی‌گردد.

● مقام امام حسین (ع)؟
مقام امام حسین مقامی است که هیچ عقلی به کُنه آن

پی نمی‌برد و همه عقول آنجا حیرت زده‌اند.

● پرچم‌های مثلث گره خورده جلوی دسته‌ها؟
پرچم‌های مثلث دقیقاً یک زن سیاه پوش است.

● بیرق‌ها، نشان چیست؟
بیرق علامت همان زن‌هایی است که دست‌هایشان را به طرف آسمان دراز کرده‌اند.

● کتل‌های موجود در دسته‌ها سمبل چیست؟
دست بریده حضرت ابا عبدالله.

● و رنگ‌هایش...

رنگ‌های حساب شده‌ای بود بالای مشکی، پایینی سبز، یکی دیگر سرمه‌ای و یکی دیگر قرمز، دقیقاً از جایی که دست بریده شده قرمز است و باز آن قسمت بالای کتل که مشکی هست و دوباره بیانگر مقام حیرتی است که در کتل موجود است.

● کتیبه‌ها و اشعار موجود در آن:

در کتیبه‌های عمودی همیشه، یک شیر داشتیم که حک می‌شده و شعر زیر آن می‌آمد و دانه دانه در اشعار این پرده‌های کتیبه‌ها بیانگر حال امام حسین است. در واقع، بیانگر اتفاقات عاشورا نیست!

● اشعار درون کتیبه‌ها؟

بیانگر احوالات درونی امام حسین (ع) است. در هر پرده‌ای که شما نگاه می‌کنید، بیانگر یکی از احوال امام حسین است. ۲۲ نفر از یارانش شهید شدند در هر شهادتی یک حال دیگری داشت. خانواده‌اش شهید شدند و در هر شهادتی حال دیگری داشت. هر بیتی را در یک حاشیه می‌زدند، هر بیت یا هر کدام از این تقطیع‌ها، در واقع بیانگر یکی از احوالات امام حسین (ع) نسبت به یکی از یارانش بوده است.

● برای احیای سنت‌های قدیمی عزاداری چه پیشنهادی دارید؟

پژوهشکده‌ای برای بررسی عزاداری امام حسین احداث شود. از نقاشی قهوه خانه گرفته تا پرده خوانی تعزیه‌ها و آن که چه رنگ‌هایی در عزاداری امام حسین استفاده می‌شود.

● روضه حضرت عباس به عنوان آب نخوردن در مقابل آب فرات؟

خداوکیلی حضرت عباس با این شرایط روحی و این اقتداری که در عالم داشت، برایش زبینه است که ما این کار را به عنوان یکی از فضیلت‌های بزرگ حضرت عباس (ع) بدانیم؟

حضرت عباس (ع) کسی بود که در عمر خودش زودتر از حضرت آب نخورده بود و جلوتر از او نرفته بود و کاری را نکرده بود که حضرت دوست نداشته باشد. آنگاه هم که به آب می‌رسد، زودتر از او آب نمی‌خورد.

● اشعار شاعرانی مثل عمار سامانی و فؤاد کرماتی؛ اینها وجود امیرالمؤمنین را ندیده بودند. اما قصاید فؤاد را راجع به امیرالمؤمنین بخوانید ببینید این آدم اگر حضرت علی (ع) را دیده بود، چی می‌گفت؟

● آیا آرزوی دیدار امام زمان را داشته‌اید؟

اگر خطر نکنم بگویم امام زمان اجازه بدهید، من شما را ببینم، خدای ناکرده به هیوندآ ختم می‌شود. در ضمن این خواسته هم خواسته به جایی نیست. من کجا و آن کجا؟! آدم خجالت می‌کشد که بخواهد این بزرگان را

ببیند.

● کربلا یعنی چه؟

نمی‌شود به این سادگی گفت. کربلا یعنی حضور خداوند در روی زمین.

● حضرت عباس؟

پاسدار نوامیس حضرت حق.

● رابطه عشق و کربلا؟

این دو از هم جدا نیستند که بخواهند رابطه داشته باشند. یکی بیش‌تر نیست. کربلا و امام حسین و حضرت عباس و خون و... همه یکی است.

● زیباترین صدایی که دوست دارید بشنوید؟

صدای رسول الله (ص)

● از کارهایی که تا حال نکردید؟

شیعه‌گری.

● تولد دوباره؟

عنایت حضرت مولی

● راز عشق؟

حضرت زهرا (ع)

● یک نصیحت به هنرمندان؟

پناه بردن به وجود حضرت امیر

● چیزی که دوست ندارید از شما بپرسیم؟

چه کارهایی می‌کنید.

● احساس شما به نسل سوم:

احساسی که نسبت به نسل سوم دارم در واقع یک احساس کرب و زشتی نیست. بچه‌های این دوره منحرف شدند. چنین احساسی ندارم.

● تفاوت نسل سوم با نسل اول انقلاب:

نه فقط در صورت ماجراست، چون ما در یک دوره‌ای که دمی باقلا می‌خوردیم خروچی هامون مشخص بود که چی هست. امروز این بچه‌ها پیتزا می‌خورند نباید توقع داشته باشیم که لباسشان مثل لباس‌های ما باشد. وقتی از جنبه‌های صوری مقایسه می‌کنیم نوع مفسده‌ای که فعلاً رواج دارد همه‌اش زایش بحران‌های مختلف است.

● جوانان شهید نسل اول:

معتقدم آنها آدم‌های مقدسی بودند. آنها در دوره خودشان با نسل خودشان هم متفاوت بودند و جنگ در دوره خودشان هم با خیلی‌ها متفاوت بودند اینها در واقع آدم‌های برگزیده آن دوره بودند.

● وجود امام خمینی در دوران انقلاب؟

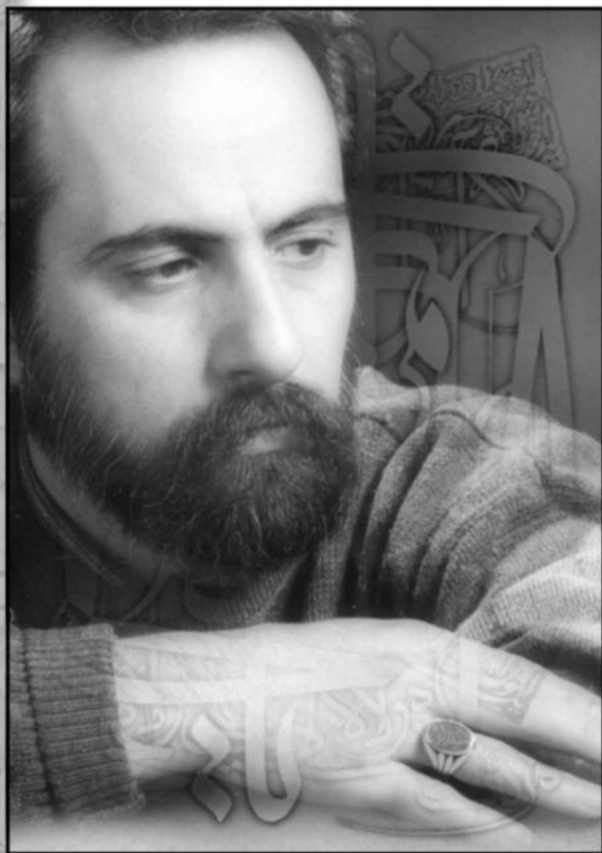
وجود انسانی مثل امام را نمی‌شود نادیده گرفت. خود امام وقتی بود آن قدر پوشش می‌داد، آن قدر معنویت تزیریق می‌کرد که آدم‌ها عکس العمل‌هایشان اتوماتیک وار، عکس العمل‌های خاصی می‌شد.

● شرایط آمدن امام به ایران؟

● تغییر لباس و موی جوانان ما را در چه می‌بینید؟
جوان ما نه آن شرایط و مقتضیات را دارد، نه آن تراکم و طلب را دارد و نه آن امام را. علاوه بر این که از این طرف یک سری یک سری اطلاع رسانی‌های غلط، حرکت‌های مذهبی که دارای کنش سیاسی بوده است، جوان به خاطر این که تخلیه بشود کارش این هست که لباسش عوض کنه.

● حرف‌های جوانان درباره‌ی ارزش‌ها؟





● حرف‌های آقا مرتضی:

بسیار مستدل و عقلانی بود، یعنی در هر عرصه‌ای که حاضر شد به فراخور آن عرصه حرف می‌زد. این در واقع یکی از نشانه‌های شیعه مرتضی علی است. آقا مرتضی در بحث‌های علمی، فرهنگی، عرفانی کم نمی‌آورد.

● به نظر شما چه موقع حرف‌هایمان برای جوانان مهم جلوه می‌کند؟

آدم باید صاحب نفس باشد که به آنها بگوید و بعد هم

همین دوره در کارنامه‌شان یکی‌شان دو نمره معدلش بالا آمده، و دیگری چهار و نیم نمره معدلش بالا آمده. خوب من به عنوان پدر از هر حربه‌ای استفاده کردم نشد، آنجایی که آدم مردانگی علی بن ابیطالب را هزینه کردم، جواب گرفتم.

● چگونه می‌شود نسل سوم را در مقابل اینترنت و ماهواره آگاه نمود؟

مواجه کردن نسل سوم با غیرتش، با خودش، با خود حقیقتش.

● آموزش نسل سوم در مقابل ته‌آچم‌های متفاوت چگونه امکان‌پذیر است؟

اولش این است که خودمان درست بشویم. ما با شعار دادن درست نمی‌شویم ما اول در وجه کلان ماجرا باید کمی قاطعیت هزینه کنیم. جلوی آدم‌هایی را که در واقع خلافکارند بگیریم.

● یعنی یک حرکت جمعی نیازمند است؟

بله! زیرا بعد از بیست و پنج سال این پیکرده به قدری مجروح است که با درمان سرپایی فایده نمی‌کند. این آدم باید نوشدارو بخورد که التیام پیدا کند و الا مثل چسباندن چسب زخم بر روی یک مار گزیده است.

● اعتقاد شما به نسل سوم:

من به این نسل اعتقاد شدیدی دارم و لباس اینها برایم ملاک نیست. بخاطر این که در همین نسل بچه‌هایی را دیدم که به راحتی از پولشان می‌گذردن ولی مذهبی‌هایی را هم دیدم که اصلاً از پولشان نمی‌گذردن.

● ارزش یک انسان؟

این است که مادی نباشد. اهل دروغ و ریا نباشد. من این دورا در نسل جدید دیده‌ام و شدیداً اعتقاد دارم.

● رفاقت و آشنایی شما با شهید آوینی؟

ما با آقا مرتضی در مجله سوره آشنا شدیم. یعنی از حوزه هنری سازمان، زمانی که سردبیری مجله سوره را به عهده گرفت.

● مهمترین خصوصیت آقا مرتضی به نظر شما چیست؟

یکی چیزی را خیلی خوب ثابت کرد. و حقش هم همین بود که کارش به شهادت ختم بشود، از یک طرف در هیأت‌های مختلف حاضر می‌شد و برای امام حسین سینه می‌زد، از طرف دیگر وقتی پشت میز فلسفه و عرفان و منطق می‌نشست و به عنوان آدمی که در مقابل یک جبهه کفر ایستاده است سخن می‌گفت.

می‌بینید حرف‌های خیلی خوبی می‌زنند و اصلاً ریا در حرف‌هایشان نیست.

● آیا وسایل ارتباط جمعی می‌توانند نیاز نسل امروز را برآورده کنند؟

یعنی می‌خواهید بگویید وسایل ارتباط جمعی نمی‌توانند نیاز جامعه و جوان امروز را برآورده کنند. توانستن که در ذاتشان هست، اما فاصله گرفته‌اند.

● بازتاب جوانان در خصوص تبلیغات؟

تمام رسانه‌های گروهی بر اساس تبلیغ پول رفتار می‌کنند. پایه‌ی زندگی‌اش را می‌گذارد بر اساس سرمایه. می‌خواهد پول داشته باشد.

● چرا تمایل جوانان به استفاده از اینترنت زیاد است؟ چون محیط اینترنت آزاد است. تنها جایگاهی است که به او می‌گوید تو آن قدر شخصیت داری که می‌توانی انتخاب کنی. تو انتخاب بکن، چون جایگاهش تغییر می‌کند. علاقه‌مند می‌شود از این که انتخاب بکند. ولی ما آیا جوان این دوره و جوان نسل سوم را برده‌ایم در جایگاهی که بتواند انتخاب کند؟

● یک جمله یادگار و ماندگار از شهید آوینی به خودتان؟

شیطان در خفا بهتر رشد می‌کند و راست هم می‌گفت. بحث موسیقی که می‌شد به من می‌گفت: ببین امام موسیقی را از زیر به رو آورد حالا که آمد رو، می‌بینی که دارد چه اتفاقی می‌افتد و می‌توانی کنترلش کنی. ولی وقتی رو نیست نمی‌توانی کنترل کنی. ما یک در را باید باز کنیم و یک در را ببندیم.

● بیش‌ترین صحبتی که شما با دانشجویان دارید؟ من با جوان‌هایی که صحبت می‌کنم در دانشگاه اینها یکسری شان رپ هستند؛ یعنی با ما خیلی فاصله دارند. ولی شما وقتی صحبت مذهبی و اعتقادی می‌کنی از جانت بر می‌آید اینها واکنش مثبت نشان می‌دهند. یکی از من بپرسد چرا تو نماز می‌خوانی از من سوال می‌کنند چه جوری می‌شود نماز خواند، شبیه این آدم‌ها نباشی و برای خدا تئاتر بازی نکنیم.

● بهترین الگوی قابل معرفی به نسل سوم:

الگویی داریم مثل علی بن ابیطالب. یک الگویی داریم مثل حسین بن علی. چه مقدار توانستیم مردانگی حضرت علی را تزریق بکنیم؟ شما جواب بدهید: آن قدر که غربی‌ها در معرفی پروسلی موفق بودند ما نیز در معرفی الگوهایمان موفق بوده‌ایم؟!

● نصیحت نسل سوم از چه راهی تأثیرپذیر است؟ باید با حربه‌های وجودی خودش جلو برد چیزی که فطری است، مردانگی، غیرت، شجاعت را به او یادآوری کند.

● آیا این بحث را درباره فرزندان خود هم امتحان کرده‌اید؟

بله! دو تا پسر دارم. یکی سال دیگر پیش دانشگاهی می‌خواند و دیگری هم سوم نظری است. من هر جوری که خواستم اینها را قانع بکنم که درس بخوانند موفق نشدم. یک شب نشستیم و راجع به مردانگی با آنها صحبت کردم گفتم: آقا شیعه حضرت علی اصلاً این جوری نیست. حداقلش این است که سیل داری ریش داری، مرد باید باشی. اگر مرد نبودی اینها را بتراش

بپذیرد.

● آخرین حرفتان درباره جوان امروز؟

تکلیف جوان امروز باید مشخص شود، سرمایه‌گذاری در بانک یا چهار درصد سود بیش‌تر یا خواندن تذکره الاولیاء عطار که این دوبا هم، هم افق نیست.

● چرا؟

علی بن ابیطالب (علیه السلام) فرمود: دنیا و آخرت روبروی همدیگرند. رخ شما به هر طرف باشد آن یکی پشت شماست. انسان اهل دین و سرمایه داری تلاش می‌کند در جایگاهی بایستد که هر دوی اینها را با هم ببیند و این نشدنی است.

